



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تبریک عرض میکنم این عید سعید را به همه ی شما حضار محترم، مسئولان کشور، بلندپایگان مدیریت جمهوری اسلامی، میهمانان عزیز هفته ی وحدت، سفرای کشورهای اسلامی و به همه ی ملت ایران و مسلمانان جهان، بلکه به همه ی آزادگان عالم و به جامعه ی بشریت.

امروز که بر حسب روایت مشهور محدثین شیعه روز ولادت خاتم الانبیاء است، و همین روز، روز ولادت امام جعفر صادق ( علیه الصّلاة و السّلام ) در سال 83 هجری است، برای دنیای اسلام روز بسیار بزرگی است.

ولادت پیغمبر اعظم یک حادثه ی صرفاً تاریخی نیست؛ یک حادثه ی تعیین کننده ی مسیر بشریت است. خود پدیده هائی که در هنگام این ولادت بزرگ، طبق نقل تاریخ دیده شد، یک اشارات گویائی به معنا و حقیقت این ولادت است. نقل کرده اند که در هنگام ولادت نبی مکرم اسلام ( صلی الله علیه و اله ) نشانه های کفر و شرک در نقاط مختلف عالم دچار اختلال شد. آتشکده ی فارس که هزار سال بود خاموش نشده بود، در هنگام میلاد پیغمبر خاموش شد. بتنهائی که در معابد بودند، سرنگون شدند؛ و راهبان و خدمتگزاران معابد بت پرستی متحیر ماندند که این چه حادثه ای است! این، ضربه ی نمادین این ولادت بر شرک و کفر و ماده گرایی است. از طرف دیگر کاخ جباران امپراطوری ایران مشرک آن روز دچار حادثه شد؛ کنگره های کاخ مدائن - چهارده کنگره - فرو ریخت. این هم یک اشاره ی نمادین دیگر است به اینکه این ولادت مقدمه و زمینه ای است برای مبارزه ی با طغیان گری در عالم؛ مبارزه ی با طاغوتها. آن جنبه ی معنویت و هدایت قلبی و فکری انسان، این جنبه ی هدایت اجتماعی و عملی آحاد بشر. مبارزه ی با ظلم، مبارزه ی با طغیان گری، مبارزه ی با حاکمیت بناحق ستمگران بر آحاد مردم؛ اینها اشارات نمادین ولادت پیغمبر است. و امیرالمؤمنین ( علیه الصّلاة و السّلام ) در نهج البلاغه در توصیف زمانه ای که پیغمبر در آن زمانه - این خورشید تابان - ظهور و طلوع کرد، جملات متعددی دارند. از جمله میفرمایند:

«و الدّیّا کاسفة الثّور ظاهرة الغرور»؛ (1) نور در محیط زندگی بشر نبود؛ انسانها در ظلمات زندگی میکردند؛ ظلمات جهل، ظلمات طغیان، ظلمات گمراهی، که البته مظهر همه ی این ظلمتها خود همان نقطه ای بود که پیغمبر اکرم در آنجا متولد شد و سپس مبعوث شد؛ یعنی جزیره العرب. همه ی تاریکی ها و ضلالتها و گمراهی ها یک نمونه ای در مکه و محیط زندگی عربی جزیره العرب داشت. گمراهی های فکری و اعتقادی، آن شرک ذلیل کننده ی انسان، تا آن اخلاق اجتماعی خشن، تا آن بی رحمی و قساوت قلب که: «و اذا بشر احدهم بالأنثى ظلّ وجهه مسوداً و هو کظیم یتواری من القوم من سوء ما بشر به ا یمسکه علی هون ام یدسه من الثّراب الا ساء ما یحکمون». (2) این، نمونه ای از اخلاق بشر در دوران ولادت پیغمبر و سپس در دوران بعثت پیغمبر است. «و کان بعده هدی من الضّلال و نوراً من العمی». (3) بشریت کور بود، بی‌نا شد. عالم ظلمانی بود، با نور وجود پیغمبر منور شد. این معنای این ولادت بزرگ و سپس بعثت آن بزرگوار است. نه فقط ما مسلمانها رهین منت الهی و نعمت الهی هستیم به خاطر این وجود مقدس، بلکه همه ی انسانیت رهین این نعمت است.

درست است که هدایت پیغمبر در طول قرنهای متمادی هنوز همه ی بشریت را فرا نگرفته است؛ اما این چراغ فروزان، این شعله ی روزافزون در میان بشریت هست و بتدریج در طول سالها و قرنهای آنها را به سمت این چشمه ی نور هدایت میکند. و در تاریخ بعد از بعثت پیغمبر و ولادت آن بزرگوار که نگاه کنید، همین تدبیر را ملاحظه میکنید. انسانیت به سمت ارزشها حرکت کرده است، ارزشها را شناخته است، بتدریج این گسترش پیدا خواهد کرد و شدت آن روز به روز بیشتر خواهد شد؛ تا اینکه ان شاءالله «لیظهره علی الدّین کله و لو کره المشرکون»، (4) همه ی عالم را فرا بگیرد و بشریت در جاده ی هدایت و صراط مستقیم الهی حرکت حقیقی خودش را آغاز کند، که در واقع شروع زندگی بشر از آن روز است. آن روزی که حجت خدا بر مردم تمام خواهد شد و بشریت در این شاهراه بزرگ قرار خواهد گرفت.



ما امروز به عنوان امت اسلامی در برابر این نعمت بزرگ قرار داریم، باید از این نعمت استفاده کنیم. باید دل خود، دین خود، فکر خود و نیز دنیای خود، زندگی خود، محیط خود را به برکت تعالیم این دین مقدس روشن و منور کنیم؛ چون نور است، بصیرت است، میتوانیم خودمان را به آن نزدیک کنیم و میتوانیم بهره مند شویم. این وظیفه ی عمومی ما مسلمانهاست.

آنچه که امروز من بر روی آن تکیه میکنم، که یکی از وظائف بزرگ و درجه ی اول ما مسلمانهاست، مسئله ی اتحاد و وحدت است. ما این هفته ی منتهی به هفدهم ربیع الاول را از اول انقلاب به هفته ی وحدت نامگذاری کردیم، علت هم این است که روز دوازدهم ربیع الاول به روایت مشهور بین برادران اهل سنت روز ولادت است؛ و روز هفدهم ربیع الاول به روایت مشهور بین شیعه روز ولادت است. بین این دو روز را به عنوان هفته ی وحدت از اول انقلاب، ملت ایران و مسئولین کشور نامگذاری کردند و این را یک رمز و نماد اتحاد بین مسلمانان قرار دادند. ولی حرف کافی نیست؛ اسم گذاری کافی نیست؛ عمل باید بکنیم؛ باید برویم به سمت وحدت. امروز دنیای اسلام محتاج وحدت است. عوامل تفرقه هم وجود دارد؛ باید بر آن عوامل فائق آمد؛ باید بر آن عوامل پیروز شد. همه ی مقصودهای بزرگ محتاج مجاهدتند. هیچ مقصود بزرگی نیست که بدون مجاهدت حاصل شود. اتحاد بین مسلمانها هم بدون مجاهدت حاصل نخواهد شد. وظیفه ی ماست که برای اتحاد دنیای اسلام مجاهدت کنیم. این اتحاد میتواند بسیاری از گره ها را باز کند؛ میتواند جوامع اسلامی و ملت‌های مسلمان را عزیز کند. ببینید وضع کشورهای اسلامی چگونه است. ببینید وضع مسلمانان که امروز یک چهارم نفوس بشری را در دنیا تشکیل میدهند، چگونه است؛ تأثیرشان در سیاست‌های عالم، حتی در مسائل درون خودشان، چگونه بمراتب ضعیفتر و کمتر است از تأثیر قدرتهای بیگانه و قدرتهای دارای سوءنیت. این، فقط به خاطر بیگانه بودن قدرتها نیست - که ما خودمان و مخاطبانمان را از آنها برحذر میداریم - آنها دارای سوء نیت اند؛ دارای انگیزه های سلطه طلبی هستند، میخواهند ملت‌های اسلامی را در مقابل خودشان ذلیل کنند، خرد کنند، وادار به اطاعت محض کنند. خوب، این پنجاه و چند کشور اسلامی، این ملت‌های مسلمان، برای اینکه در مقابل یک چنین سوء نیت واضح و بزرگ و قلدرانه ای بایستند، راهشان چیست؟ جز وحدت؟ باید با هم نزدیک بشویم. دو عامل عمده و کلی در مقابل وحدت وجود دارد، باید اینها را علاج کرد.

یک عامل، عامل درونی ماست: تعصب‌های ما، پایبندی های ما به عقاید خودمان؛ هر گروهی برای خودش. باید بر این فائق آمد. ایمان به مبادی خود و اصول و عقائد خود چیز بسیار خوب و پسندیده ای است؛ پافشاری بر آن هم خوب است؛ اما این نباید از مرز اثبات به مرز نفی و همراه با تعرض و دشمنی و عداوت تجاوز کند. برادرانی که در مجموعه ی امت اسلامی هستند، احترام یکدیگر را حفظ کنند؛ عقاید خودشان را هم میخواهند حفظ کنند، حفظ کنند؛ اما احترام به دیگران، حدود دیگران، حقوق دیگران و حرمت افکار و عقاید آنها را نگه دارند و بحث و مجادله را برای مجالس علمی بگذارند. علما و اهل فن، میخواهند بنشینند مباحثات مذهبی کنند، بکنند؛ اما مباحثه ی مذهبی عالمانه و در محفل علمی، با بدگویی به یکدیگر در علن، در سطح افکار عمومی، در مخاطبه ی با افکاری که قدرت تجزیه و تحلیل علمی ندارند، فرق میکند؛ این را بایستی علما مهار کنند؛ مسئولان باید مهار کنند. همه ی گروه های مسلمان در این مورد وظیفه دارند. شیعه هم وظیفه دارد، سنی هم وظیفه دارد؛ باید به سمت اتحاد بروند. این یک عامل که عامل درونی است.

یک عامل بیرونی هم دست مغرض تفرقه افکن دشمنان اسلام است. نباید از این غفلت کرد. نه فقط امروز، بلکه از آن روزی که قدرتهای مسلط سیاسی در دنیا احساس کردند که میتوانند روی ملت‌ها اثر بگذارند، این دست تفرقه افکن به وجود آمده و امروز از همیشه شدیدتر است. وسائل ارتباط جمعی، وسائل مدرنی که امروز وجود دارد، این هم کمک میکند. اینها آتش افروزند؛ آتش افروزند؛ برای تفرقه شعار درست میکنند. باید آگاه بود؛ باید هوشیار بود. متأسفانه یک عده ای هم در داخل ملت‌های مسلمان و کشورهای مسلمان، میشوند وسیله برای اعمال غرض آن دشمنان اصلی. خیلی عبرت آموز است، شما ملاحظه کنید: دو سال قبل از این، وقتی که جوانان مقاومت لبنان و حزب الله لبنان بر اسرائیل غلبه کردند و رژیم صهیونیستی را آنجور ذلیل کردند و این در دنیای اسلام برای مسلمانها یک شکوفائی و



يك پیروزی به شمار آمد، بلافاصله دستهای تفرقه افکن شروع کردند مسئله شیعه و سنی را مطرح کردن؛ تعصبات مذهبی را تشدید کردن؛ چه در خود لبنان، چه در منطقه ی خاورمیانه و چه در همه ی دنیای اسلام. کأنه مسئله ی شیعه و سنی تازه به وجود آمده است! برای اینکه امت مسلمان را که در سایه ی آن پیروزی بزرگ به يك همدلی نزدیک شده بود، اینها را با مسئله ی شیعه و سنی از هم دور کند. این مال دو سال قبل است. دو ماه قبل از این، يك پیروزی دیگر برای امت اسلام به وجود آمد و آن پیروزی مقاومت فلسطین بر دشمن صهیونیست در غزه بود، پیروزی بزرگ و درخشان. کدام پیروزی از این بالاتر که يك ارتش مجهز که يك روز توانسته بود سه تا ارتش بزرگ کشورها را در سالهای شصت و هفت تا هفتاد و سه ی میلادی شکست بدهد، بیست و دو روز تلاش کند و نتواند این جوانهای مقاوم و این مجاهدان مؤمن را در غزه وادار به عقب نشینی کند و آنها را شکست بدهد؟ ناکام، دست خالی مجبور شد برگردد، بعلاوه بر اینکه در دنیا هم آبروی رژیم صهیونیستی و حامیانش و در رأس آنها آمریکا رفت؛ آبروشان بر خاک ریخت. این پیروزی بزرگی برای مسلمانها بود؛ مسلمانها را به يك همدلی نزدیک کرد. اینجا دیگر مسئله ی شیعه و سنی را نمیتوانستند مطرح کنند. حالا آمده اند مسئله ی قومیت را مطرح کرده اند؛ مسئله ی عربیت و غیرعربیت؛ دعوی بین اینکه مسئله ی فلسطین مختص به عربهاست و اصرار بر اینکه مختص به عربهاست، برای اینکه غیرعرب حق ندارد در مسئله ی فلسطین دخالت کند! چرا؟ مسئله ی فلسطین، مسئله ی اسلامی است؛ عرب و عجم ندارد.

در مسائل دنیای اسلام اگر پای قومیت به میان آمد، بزرگترین عامل تفرقه به وجود آمده است. وقتی پای قومیت را در مسائل دنیای اسلام به وجود می آورند، عرب را جدا کنند، فارس را جدا کنند، ترك را جدا کنند، کرد را جدا کنند، اندونزیایی را جدا کنند، مالزیایی را جدا کنند، پاکستانی و هندی را جدا کنند، چی باقی میماند؟ این چوب حراج زدن به امت اسلامی و نیروها و توانهای امت اسلامی نیست؟

این ترفندهای استکبار است که متأسفانه در دنیای اسلام، کسانی اسیر این ترفندها میشوند. نمیخواهند بگذارند شیرینی پیروزی در آن قضیه ی لبنان و در این قضیه ی غزه در کام مسلمانها بماند؛ فوراً يك عامل اختلاف و تفرقه ای را مطرح میکنند، به وجود می آورند، برای اینکه جدا کنند.

امت اسلامی باید بیدار باشد؛ باید در مقابل اینها بایستد. وظیفه ی درجه ی اول هم بر دوش سیاستمداران است. مسئولان و زمامداران کشورهای اسلامی بهوش باشند. این فریاد ممکن است از گلوی بعضی از سیاستمداران خودی خارج شود؛ اما ما اشتباه نمیکنیم. ما در شناخت عامل اصلی خطا نخواهیم کرد. از گلوی اینهاست، اما مال اینها نیست؛ فریاد، فریاد دیگران است، مربوط به قدرتهای استکباری دنیاست. آنها هستند که مخالف وحدت امت اسلامی اند. اگر از حنجره ی کسانی از داخل امت اسلامی هم خارج شود، اینها فریب خورده اند. این صدا، صدای اینها نیست. این صدای آنهاست؛ این صدا را میشناسیم. در درجه ی اول، سیاستمداران و مسئولان و باز در درجه ی مهم و بالا، اندیشمندان، کسانی که با مغز و دل مردم سر و کار دارند؛ علمای دین، روشنفکران، نویسندگان، روزنامه نگاران، شعرا، ادبا، دانشمندان دنیای اسلام، این وظیفه ی بزرگ را بر عهده دارند که به مردم، سرانگشتانی را که میخواهند در این وحدت اختلال کنند و این رشته ی مستحکم الهی را از دست مسلمانها بگیرند، معرفی کنند.

قرآن به ما صریحاً میگوید: «و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً»؛ (5) با همدیگر اعتصام به حبل اللّٰه پیدا کنید. اعتصام به حبل اللّٰه را تك تك هم میشود انجام داد؛ اما قرآن میگوید: «واعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً»؛ با هم باشید. «و لاتفرّقوا»؛ تفرق پیدا نکنید، حتی در اعتصام بحبل اللّٰه؛ چه برسد به اینکه بعضی بخواهند اعتصام بحبل اللّٰه کنند، بعضی بخواهند اعتصام بحبل الشیطان بکنند. حتی اعتصام بحبل اللّٰه هم که همه بخواهند بکنند، «جمیعاً»؛ با هم، همدلانه این کار انجام بگیرد. این مسئله ی بزرگ دنیای اسلام است.

امیدواریم خداوند متعال به همه ی آحاد امت اسلامی و همه ی ملت‌های اسلامی و همه ی دولتهای اسلامی توفیق بدهد که این مسئله ی مهم را با وزن آن، با همان مقدار اهمیت آن تلقی کنند و آن را در عمل اجرا کنند. و رضوان الهی و رحمت الهی باد بر روح امام بزرگوار ما که فریاد وحدت را در دوران ما و در زمان ما، او بود که بلند کرد و مسلمانان را به این اتحاد دعوت کرد. امیدواریم خداوند متعال دل‌های ما را با سروش الهی، با دعوت الهی هرچه



بیشتر مأنوس کند ؛ آشنا کند. و آینده ی امت اسلامی از گذشته ی آن بمراتب بهتر باشد.  
والسّلام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته

www.leader.ir

- (1) نهج البلاغه، خطبه ی 89
- (2) نحل: 58 و 59
- (3) مفاتیح الجنان، دعای ندبه
- (4) توبه: 33
- (5) آل عمران: 103